

## بازخوانی مشی سیاسی آیت‌الله‌العظمی عبدالکریم حائری یزدی\*

عبدالرحیم رضاپور\*\*

### چکیده

در تحلیل رفتار سیاسی علما، لازم است به زمینه‌ها و شرایط زمانه ایشان توجه داشت و نمی‌توان انتظار داشت که علما در شرایط و زمان‌های متفاوت در مواجهه با مسائل اجتماعی و سیاسی، عملکرد یکسانی داشته باشند. این اصل در برخورد حاج شیخ عبدالکریم حائری با رضاشاه نیز باید مورد توجه قرار بگیرد.

مشی سیاسی آیت‌الله حائری در برابر فرد مستبد و بی‌منطقی همچون رضاشاه به خوبی بیانگر آن است که تدابیر هوشمندانه ایشان، در حفظ اسلام و حراست از حوزه تازه تأسیس قم بسیار مؤثر بوده است.

گرچه مسئله کشف حجاب، امر بسیار بااهمیتی محسوب می‌شد، اما مهم‌تر از آن حفظ اساس دین و حوزه تازه تأسیس قم بود و حاج شیخ عبدالکریم حائری شدت عمل در مسئله کشف حجاب و قیام علیه حکومت را نه تنها مؤثر نمی‌دانست، بلکه با توجه به روحیات رضاشاه، آن را تهدیدی برای اساس اسلام و حوزه علمیه یافته بود.

**واژگان کلیدی:** شیخ عبدالکریم حائری، رضاشاه، سیاست، حوزه علمیه، کشف حجاب.

---

\*. این مقاله با حمایت دبیرخانه همایش بین‌المللی یکصدمین سالگشت بازتأسیس حوزه علمیه قم و

دستاوردها و نکوداشت آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری (ره) تألیف شده است.

\*\*دکتری مذاهب کلامی دانشگاه ادیان و مذاهب قم؛ javad.rezapour@yahoo.com

## مقدمه

آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی از علمای بزرگ تشیع بودند که با تأسیس حوزه علمیه قم، نقش ماندگاری در تبلور و پویایی علوم دینی و گسترش معارف تشیع ایفا نمودند. برخی به دلیل فهم نادرست زمانه ایشان و توجه نکردن به شرایط و مقتضیات زمانی آیت الله حائری و به استناد برخی مواضع، ایشان را غیرسیاسی یا مخالف سیاست قلمداد نموده‌اند و برخی نیز این مسئله را به روحیه و شخصیت ایشان مرتبط دانسته‌اند، اما با نگاهی به رفتار سیاسی آیت الله حائری نادرستی تمامی این انگاره‌ها روشن می‌شود. در این نوشتار نگاهی گذرا به تحلیل رفتار سیاسی ایشان خواهیم داشت.

## زندگی و زمانه آیت الله حائری

آیت الله شیخ عبدالکریم حائری در سال ۱۲۷۶ قمری (مصادف با ۱۲۳۹ ش) در مهرجرد میبد واقع در ۶۰ کیلومتری یزد به دنیا آمد (کریمی جهرمی، ۱۳۷۲، ص ۱۳-۱۴) پدر ایشان محمدجعفر هرچند از تحصیل علم بی‌نصیب مانده بود، اما از زهد و تقوی بهره داشت و فردی متدین، پارسا و پرهیزکار بود (همان) شیخ که در سن ده‌سالگی پدرش را از دست داد، تحت نظر مادر با ایمانش به تحصیل ادامه داده و به مدارج عالی علمی رسید (شعبانی، ۱۳۸۰، ص ۹).

ایشان ادبیات عرب را در یزد فراگرفت و در ۱۲۹۸ ق برای ادامه تحصیل، به همراه مادرش، راهی عراق شد. نخست به کربلا رفت و حدود دو سال به تحصیل پرداخت. سپس برای ادامه تحصیل به سامرا رفت و درس‌های سطوح عالی فقه و اصول را نزد اساتیدی چون شیخ فضل‌الله نوری، میرزا ابراهیم محلاتی شیرازی و میرزا مهدی شیرازی به اتمام رساند و سپس در درس‌های خارج فقه و اصول سیدمحمد فشارکی اصفهانی و میرزا محمدتقی شیرازی و مدتی در مجلس درس میرزا محمدحسن شیرازی شرکت کرد (حائری یزدی، ۱۳۷۷، ص ۸۷-۸۸ و ۹۳-۹۴).

شیخ عبدالکریم پس از درگذشت آیت الله فشارکی و در سال ۱۳۱۶ ق به ایران بازگشت و در سلطان‌آباد (اراک کنونی) حوزه درس دایر کرد و پس از هشت سال دوباره به عراق

بازگشت و حدود هشت سال در کربلا ماند و از آن زمان به حائری ملقب شد. ایشان در کربلا به تدریس پرداخت (کریمی جهرمی، ۱۳۷۲، ص ۵۵-۵۶).

ایشان در اوایل سال ۱۳۳۳ ق (۱۲۹۳ ش)، به ایران بازگشت و در اراک علاوه بر اداره حوزه، به تدریس فقه و اصول پرداخت.

مرحوم حائری در پاسخ به نامه میرزا محمدتقی شیرازی، پس از فوت سیدمحمدکاظم یزدی (۱۳۳۷ ق/۱۲۹۸ ش) که از او خواسته بود به عتبات برگردد و خود را برای مرجعیت شیعه مهیا سازد، اقامت در ایران را وظیفه خود خواند و از قرارگرفتن ایران و ایرانیان در مسیر تباهی و انحطاط فکری اظهار نگرانی کرد (همان، ص ۵۶).

### تأسیس حوزه علمی قم

شیخ عبدالکریم حائری در ۱۳۳۷ ق به قصد زیارت حرم امام رضا علیه السلام عازم مشهد شد و در مسیر خود چند روز در قم ماند و با اوضاع این شهر و حوزه علمی آن آشنا شد (شریف رازی، ۱۳۵۲، ج ۱، ص ۲۸۶).

در رجب ۱۳۴۰ ق بار دیگر، در پی دعوت تنی چند از عالمان قم از ایشان و نیز برای زیارت حرم حضرت معصومه علیها السلام، به قم رفت و با استقبال علما و مردم قم و درخواست آنان برای اقامت در این شهر مواجه شد. نخست تردید داشت، ولی پس از پافشاری شماری از عالمان، به‌ویژه محمدتقی بافقی، شیخ عبدالکریم حائری استخاره کرد و سپس تصمیم گرفت در قم بماند؛ تصمیمی که در پی آن حوزه‌ای بزرگ در آن شهر تأسیس شد و حائری، آیت‌الله مؤسس لقب گرفت (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۴ ق، ص ۱۱۵۹).

عظمت کار آیت‌الله حائری در تأسیس حوزه علمی، شرایط خاص آن زمان بود. از یک طرف وجود فردی مستبد و وابسته همچون رضاخان که با تلاش انگلستان سرکار آمده بود و به دنبال اجرای سیاست‌های ضددینی آنان بود. از طرف دیگر شرایط پس از جنگ جهانی اول و پیامدهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن، شاید در نگاه ساده‌بینانه تأسیس حوزه علمی آن هم در آن شرایط چندان منطقی به نظر نمی‌رسید، اما پایه‌گذاری یک مرکز دینی در سطح حوزه علمی، کانونی برای ترویج دین و مقابله با توطئه‌هایی بود که اصل دین را نشانه رفته بود و منشأ حفظ دین و آثار و برکات فراوانی گردید.

مسئله‌ای که به تبدیل حوزه علمی قم به مرکز مهم تعلیم و تربیت دینی و بدیل عتبات رسمیت بخشید، تبعید مراجع نجف به ایران بود. در زمان تأسیس حوزه علمی قم مرجعیت شیعه با آیات عظام سیدابوالحسن اصفهانی و شیخ محمدحسین نائینی بود. مراجع نجف به خاطر رویارویی با دولت استعمارگر انگلیس که می‌خواست امتیاز دو رود بزرگ دجله و فرات را ویژه خود گرداند، به ایران تبعید شدند. تبعید این بزرگان به ایران، قم را به‌عنوان یک مرکز مهم تعلیم و تربیت دینی و بدیل عتبات رسمیت بخشید (عیسی‌نژاد، ۱۳۸۳، ص ۹۸).

ایشان با توجه به آشنایی با حوزه‌های بزرگ شیعی سامرا، نجف و کربلا و اطلاع از شیوه مدیریت، ضعف‌ها و قوت‌های پیشینیان خود و نیز تجارب خویش در حوزه اراک، بیش از هر چیز به برنامه‌ریزی برای تثبیت و پیشرفت حوزه می‌اندیشید. تحول در روش‌های آموزش در حوزه، تخصصی شدن ابواب فقه، توسعه دامنه معلومات دانش‌پژوهان حوزه، حتی آموزش زبان‌های خارجی، و به‌طور خلاصه تربیت محقق و مجتهد، از برنامه‌های او بود (کریمی جهرمی، ۱۳۷۲، ص ۴۷).

با پرآوازه شدن حوزه علمی قم و ورود شماری از عالمان و مدرسان و بسیاری از محصلان سایر حوزه‌ها و محصلان جدید، تعداد طلاب از هزار تن گذشت (استادی، ۱۳۷۵، ص ۷۸-۷۷).

سرانجام ایشان پس از عمری تلاش و مجاهدت علمی، شب ۱۰ بهمن ماه ۱۳۱۵ شمسی (مطابق با ۱۷ ذی القعدة ۱۳۵۵ ق) در سن ۷۹ سال درگذشت (شعبانی، ۱۳۸۰، ص ۷۰). پیکر پاک این مرد نستوه در حرم حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد اما شعله فروزان حوزه علمی قم که ایشان بنیانگذار آن بود، هم‌چنان می‌درخشد و منشأ برکات زیادی برای اسلام و ایران بوده است. اکنون در صدمین سال تأسیس این حوزه پر برکت قرار داریم.

### رفتار سیاسی آیت‌الله حائری

ذهنیت غالب از رفتار سیاسی، نقش‌آفرینی مستقیم و آشکار در عرصه سیاست بدون در نظر گرفتن زمینه‌ها و شرایط و مقتضیات زمانی و ... است. برخی بر مبنای این تصور، در مورد شخصیت‌هایی که این رویه را نداشته باشند، تعبیر غیرسیاسی را به کار می‌برند. در

مورد حاج شیخ عبدالکریم حائری نیز بعضی موضع‌گیری‌های ایشان موجب شده تا ایشان به‌عنوان فردی غیرسیاسی و حتی مخالف سیاست قلمداد شود. در ماجرای مشروطه ایشان ورود نکردند. گزارش شده که آیت‌الله حائری به‌منظور حفظ بی‌طرفی خود در صف‌آرایی‌های مشروطه، هم کتابی از سیدمحمدکاظم یزدی که از مخالفان مشروطه بود را تدریس می‌کرد و هم کتابی از آخوند خراسانی که از رهبران مشروطه‌خواه بود (کریمی چهارمی، ۱۳۷۲، ص ۵۵-۵۶).

اما تبیین دلیل عدم حضور در نهضت مشروطه از سوی ایشان، نادرستی ادعای غیرسیاسی بودن ایشان را اثبات می‌نماید. آیت‌الله حائری در این زمینه فرمودند: «من در مسائلی که آگاهی ندارم، به هیچ وجه دخالت نمی‌کنم و از آنجایی که ایران کشور ضعیفی است و پیوسته تحت فشار و استعمار کشورهای قدرتمندی چون روس و انگلیس می‌باشد، امکان دارد سیاست‌ها و خطوط سیاسی که در ایران وجود دارد، از سوی این قدرت‌های استعماری ترسیم شده باشد و کسانی که در سیاست دخالت می‌کنند، امکان دارد ملعبه دست این قدرت‌ها بوده و ناآگاهانه آب به آسیاب دشمن بریزند. من اگر در کشور فرانسه و انگلیس و روس بودم، مسلماً در سیاست دخالت می‌کردم، چون خطوط سیاسی در آنجا روشن بوده و از جایی دیگر این جریان‌ها تحمیل نمی‌شود. بنابراین دخالت خود را در سیاست مقدور نمی‌بینم.» (فیاضی، ۱۳۷۸، ص ۷۸-۷۹).

این سخنان به‌خوبی بیانگر فراهم نبودن زمینه و شرایط برای حضور در عرصه سیاسی از منظر ایشان است و از آن نمی‌توان غیرسیاسی بودن ایشان را برداشت کرد.

نباید تصور کرد، کار سیاسی همیشه با ورود مستقیم در معرکه سیاست محقق می‌شود، بلکه بسته به شرایط و مقضیات زمانه، گُش سیاسی متفاوت می‌باشد. از حضرت امام نقل شده که فرمودند: «طریقه ما همان طریقه شیخ است؛ منتهی شیوه برخورد ما با ایشان، به جهت تغییر در اوضاع و احوال زمانه، مقداری متفاوت است.» (لاجوردی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۵).

علاوه بر اینکه مواضع ایشان در برخورد با حکومت رضاخانی و ماجرای کشف حجاب که در ادامه خواهد آمد، سندی گویا و غیرقابل‌انکار بر مشی سیاسی ایشان است.

از این جهت، اتهام غیرسیاسی یا سکوت در برابر اقدامات رضاخان به ایشان، ناروا و

برداشتی نادرست از مشی سیاسی آیت‌الله حائری است. در ادامه به رویارویی ایشان با رضاشاه می‌پردازیم.

### مواجهه آیت‌الله حائری با رضاشاه

در تحلیل رفتار سیاسی علما، لازم است به زمینه‌ها و شرایط زمانه ایشان توجه داشت و نمی‌توان انتظار داشت که علما در شرایط و زمانه متفاوت در مواجهه با مسائل اجتماعی و سیاسی، عملکرد یکسانی داشته باشند. این اصل در برخورد حاج شیخ عبدالکریم حائری با رضاشاه نیز باید مورد توجه قرار بگیرد. ایشان با توجه به شرایط زمانه خویش از کنش سیاسی و رویارویی مستقیم با حکومت رضاخانی خودداری نموده و تلاش نمودند تا اهداف مهمتری را با درایت دنبال کنند. چند عامل موجب شد تا آیت‌الله حائری چنین رویه‌ای را در مقابله با رضاخان اتخاذ نمایند.

#### ۱. اهمیت حفظ حوزه علمیه قم

حفظ حوزه علمیه نوپای قم از نظر ایشان در آن زمان اهمیت ویژه‌ای داشت که مهم‌تر از برخی مسائل دیگر بود؛ از این‌رو ایشان با دوراندیشی و تدبیر خود تلاش می‌کردند، بهانه‌ای به دست دشمنان نداده و از نهال نوپای حوزه علمیه حفاظت نمایند.

اهتمام ویژه آیت‌الله حائری به حفظ حوزه علمیه قم، مهم‌ترین دلیل پرهیز ایشان از ورود در بسیاری از رویدادهای سیاسی و رویارویی مستقیم با حکومت بود. ایشان آگاهانه و هوشمندانه به مسائل مرتبط با حکومت وارد نمی‌شد؛ زیرا بر این باور بود که موضع‌گیری در برابر رضاشاه در آن اوضاع و احوال، نتیجه‌ای جز برچیده شدن حوزه نخواهد داشت؛ بنابراین، با دوراندیشی، درایت و بردباری، حیات حوزه و بلکه حیات دین و مذهب را در ایران استمرار بخشید (شریف رازی، ۱۳۵۲-۱۳۵۴، ج ۱، ص ۲۹-۳۰ و ص ۵۳-۵۴).

رفتارشناسی سیاسی مؤسس حوزه علمیه در برابر فرد مستبد و بی‌منطقی همچون رضاشاه به‌خوبی بیانگر آن است که عملکرد هوشمندانه ایشان، تا چه اندازه در حفظ اسلام و صیانت از حوزه تازه تأسیس قم مؤثر بود. تا جایی که از حضرت امام علیه السلام درباره اهمیت کار ایشان نقل شده که فرمودند: «درباره بزرگی او همین مقدار بس که توانست در آن

زمان سخت که رضاشاه تصمیم داشت، حوزه و روحانیت را نابود کند، حوزه‌ها بلکه روحانیت را حفظ کند و این امانت را به ما داد تا ما به دیگران رد کنیم» (ستوده، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۱۶۰).

اولویت و دغدغه اصلی عالمان شیعه، فارغ از هر زمان و مکان و در هر شرایطی، حفظ دین و مکتب تشیع بوده است و آیت‌الله حائری تأسیس حوزه علمی را اقدامی مؤثر در راستای این وظیفه می‌دیدند. از این رو حفظ حوزه علمی در درجه نخست اهمیت از نظر ایشان بود. آیت‌الله حائری بیم آن را داشت که حوزه نوپای قم، در صورت رویارویی با رضاشاه به خطر افتاده، از بین برود که منجر به از بین رفتن دین می‌شد. مشی سیاسی هوشمندانه ایشان بود که حوزه قم را با وجود فردی مانند رضاخان حفظ نمود. شاید به همین دلیل بود که حضرت امام درباره اهمیت کار ایشان فرمودند: «اگر مرحوم حاج شیخ در حال حاضر بودند، کاری را انجام می‌دادند که من انجام دادم و تأسیس حوزه علمی در آن روز، از جهت سیاسی، کم‌تر از تأسیس جمهوری اسلامی در ایران امروز نبود» (موسوی خمینی، ۱۳۶۲، ص ۱۷۳).

مقام معظم رهبری نیز در مورد اهمیت کار آیت‌الله حائری فرمودند: «ببینید چه قدر این ثمره (نهضت امام خمینی و انقلاب اسلامی) به اصل نزدیک است... آن بنده صالح، آن بنده راهروی راه پیامبران، با اخلاص خود چه کرد که این نهال (حوزه علمی) تا امروز این همه ثمرات بخشیده است که شما آن را در سراسر عالم می‌بینید! یکی از ثمرات آن، تلاش در کشور ایران، تشکیل جمهوری اسلامی با همه برکاتش است و در جاهای مختلف دیگر، بیداری و بقیه قضایاست که می‌دانید» (توکلی محمدی، مطهری فرد، ۱۳۹۴، صفحه ۱۱۵-۱۳۲).

«در آن زمان تشکیلات حوزه و روحانیت، تازه شکل و جان گرفته بود. و به طور کلی حوزه و روحانیت چندان از انسجام و استحکام لازم در برابر رضاخان برخوردار نبود. ثانیاً، رضاخان قلدری بود که از هیچ عقل و منطقی پیروی نمی‌کرد و با کوچک‌ترین بهانه و مخالفتی به سرکوب و قتل تمسک می‌جست. نمونه بارز آن قتل‌عام مردم مشهد در صحن مسجد گوهرشاد و یا مضراب ساختن فقیه بزرگ و سرشناس حوزه مرحوم آقا شیخ محمدتقی بافقی در حرم حضرت معصومه علیها السلام بود که به جرم امر به معروف و نهی از

منکر انجام گرفت حتی احتمال تکرار قتل عام مسجد گوهرشاد در قم در صحن حرم حضرت معصومه علیها السلام و به توپ بستن حرم می‌رفت که در اثر خویشتنداری و درایت و صبر و تحمل حاج شیخ، همه این خطرات برطرف شد. بنابراین گاهی من می‌بینم در مورد این مقطع از تاریخ قضاوت‌های غیرمنصفانه می‌شود. ما نباید زمان رضاخان را به زمان خودمان که بحمدالله همه طلسم‌ها و طاغوت‌ها شکسته شده تشبیه کرده آن وقت، دست به قضاوت‌های نادرست بزنیم و تجزیه و تحلیل‌های غیرمنصفانه کنیم. هر چیز را باید در اوضاع و شرایط خودش در نظر گرفت، سنجید و بعد نتیجه‌گیری کرد.» (استادی، خاطرات آیت‌الله استادی).

## ۲. شخصیت مستبد رضاخان

آیت‌الله حائری با وجود فرد مستبد و خودرأیی همچون رضاخان، مواجهه مستقیم با رضاخان را موجب آسیب دیدن مردم می‌دانستند. از این رو برای در امان ماندن مردم از گزند چنین فردی، از رویارویی با رضاخان پرهیز می‌نمودند. ایشان با توجه به شرایط وخیم دوران رضاشاه فرمودند: «دخالته من در سیاست مستلزم درگیری و خون‌ریزی است و من حاضر نیستم که باعث شوم خون بی‌گناهان ریخته شود.» (فیاضی، ۱۳۷۸، ص ۷۸-۷۹).

تدبیر و درایت آیت‌الله حائری با وجود فردی همانند رضاخان که کمر به مقابله با دین بسته بود، به گونه‌ای بود که از قول رضاشاه نقل شده که: «تمام علما را از بین بردم جز این یک نفر (حائری)، این را هم اگر برمی‌داشتم، اسلام را برمی‌داشتم» (بصیرت‌منش، ۱۳۷۸، ص ۲۴۸-۲۴۷).

## ۳. مهیا نداشتن شرایط برای مقابله با اصل حکومت پهلوی

از نظر ایشان، در آن زمان شرایط برای مقابله مستقیم با حکومت پهلوی و شخص رضاخان فراهم نبوده و اصل موجودیت تشیع در ایران به خطر می‌افتاد. آیت‌الله حائری در پاسخ به آیت‌الله سیدمحمدتقی خوانساری که به ایشان فرمودند: «می‌دانید پهلوی می‌خواهد ایران را نصرانی کند؟!» خاطرنشان کردند: «می‌دانم، ولی شما می‌خواهید که من کاری کنم که او زودتر چنین بکند» (فلسفی، ۱۳۷۶، ص ۸۱-۸۴).

ایشان در پاسخ برخی از افراد که با لحن اعتراضی به ایشان گفتند: چرا شما اقدام

می‌کنید، چرا مبارزه نمی‌کنید؟ فرمودند: «کسی که می‌خواهد قیام کند باید طرفدار داشته باشد. باید همه قیام کنند و از خودگذشتگی داشته باشند. من با نماینده مجلس یا وزیری که حاضر نیست از ماهی دویست تومان بگذرد، با تاجری که حاضر نیست از منافع خودش دست بکشد، چه کار می‌توانم بکنم...» (فیاضی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۱).

### آیت الله حائری و مسئله کشف حجاب

یکی از چالش‌هایی که مرحوم حائری با آن مواجه بود، مسئله کشف حجاب رضاخانی بود. هر چند در اهمیت مسئله حجاب، تردیدی وجود نداشت، اما از منظر ایشان حوزه تازه تأسیس قم، اهمیت به مراتب بیشتری داشت و مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری شدت عمل در مسئله کشف حجاب و قیام علیه حکومت را نه تنها مؤثر نمی‌دانست، بلکه با توجه به روحیات رضاشاه، آن را تهدیدی برای اساس اسلام و حوزه علمیه یافته بود.

در برخورد با مسئله کشف حجاب حاج شیخ عبدالکریم حائری دو انتخاب را پیش‌رو داشتند. انتخاب نخست؛ مقابله و درافتادن با رضاشاه که با توجه به شخصیت مستبد و بی‌منطق وی و برخوردی که با اعتراض‌های برخی از علما از جمله مرحوم بافقی داشت، نتیجه آن چیزی جز به خطر افتادن اساس دین و تخریب حوزه تازه تأسیس قم نبود. انتخاب دوم؛ واکنش و اعتراض نسبت به این مسئله و برخورد کج‌دار و مریز با رضاشاه و انتظار برای فراهم شدن زمینه و شرایط مناسب، در کنار اهتمام به افزایش قدرت و استحکام پایه‌های حوزه علمیه قم و تربیت شاگردانی در فضای علوم دینی، که بتوانند جامعه را به آگاهی لازم برای انتخاب مسیر درست حرکت و رهایی از استبداد و استعمار برسانند (شعبانی، ۱۳۸۰، ص ۲۶-۲۷).

ایشان در ماجرای کشف حجاب سکوت نکردند، اما اعتراض شدید و رویارویی مستقیم با رژیم را نیز با توجه به شرایط، مؤثر و نتیجه بخش نمی‌دیدند.

در این ماجرا آیت الله حائری از شدت عصبانیت نماز جماعتی را که اقامه می‌کرد به آیت الله سیدصدرالدین صدر واگذار و درس خود را نیز تعطیل کرد. در همین روزها در جلسه‌ای مردم را برای مقاومت و ایستادگی در مقابل برنامه‌های ضد دینی حکومت ترغیب کرد (عباس‌زاده، ۱۳۷۷، ص ۷۳).

ایشان در یازدهم تیر ماه ۱۳۱۴ در تلگرافی به شاه چنین مرقوم فرمودند: «اوضاع حاضره که برخلاف قوانین شرع مقدس و مذهب جعفری است، موجب نگرانی داعی و عموم مسلمین است، البته بر ذات ملوکانه که امروزه حامی و عهده‌دار نوامیس اسلامی هستیم، حتم و لازم است که جلوگیری فرمایید، عموم اهالی ایران بلکه مسلمین دنیا را قرین تشکر فرموده، امید است رفع اضطراب این ضعیف و عموم ملت شیعه بشود.» (فیاضی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۰-۱۰۱)

رضا شاه جواب تلگراف را نداد و به جای آن، عصر دوازدهم تیر ۱۳۱۴ از نخست وزیری جواب تلگراف دریافت شد که سراسر تهدید و تحقیر بود. پس از ارسال این تلگراف، رضاشاه به قم آمده و با ورود به منزل آیت‌الله حائری، بدون سلام و جواب، با غضب و عصبانیت گفت: «رفتارتان را عوض کنید وگرنه حوزه قم را با خاک یکسان می‌کنم. کشور مجاور ما، ترکیه، کشف حجاب کرده و به اروپا وصل شد و ما باید این کار را بکنیم» (شکوری، ۱۳۶۸، ص ۲۸۲۷).

نتیجه حضور رضاشاه در قم، چیزی جز اجرا شدن هرچه سریع‌تر این قانون در شهر قم نبود. از این رو آیت‌الله حائری فرمود: «دیدید که اگر تلگراف نمی‌کردم، یک عده گرفتار نمی‌شدند و هم این‌قدر تسریع در متحدالشکل شدن قم نمی‌شد» (منظورالاجداد، ۱۳۷۹، ص ۳۲۹-۳۲۸).

کمتر از ده روز بعد در ۲۱ تیر ۱۳۱۴ شمسی واقعه مسجد گوهرشاد و کشتار مردم توسط رژیم رقم خورد که ثابت کرد، این مسئله با رویاروی و شدت عمل قابل حل نیست.

### آیت‌الله حائری و برنامه لباس متحدالشکل

هم‌زمان با اجرای قانون متحدالشکل نمودن آلبسه، دولت تلاش می‌کرد طرح «استفاده از عمامه، مستلزم داشتن تصدیق دولتی» را پیاده کند تا به وسیله صدور «جواز عمامه» یا «تصدیق طلبگی»، نظارت و کنترل شدید پلیسی بر وضع روحانیت داشته باشد و از شمار آنان بکاهد. در نتیجه این طرح، روحانیونی که تصدیق طلبگی نداشتند، الزاماً بایستی به لباس متحدالشکل درمی‌آمدند (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره بازیابی ۱۶۲۴-۲۹۱، سند شماره ۱).

آیت‌الله حائری در مقابله با این اقدام، دستور تعطیلی امتحاناتی که از طرف وزارت

معارف جهت طلاب قم برگزار می‌شد، را دادند. ایشان در دیدار رئیس وزارت معارف و شهربانی فرمودند: وزارت معارف به‌هیچ‌وجه حق دخالت در وظایف او را ندارد و اگر لازم بداند خود به طلاب برنامه می‌دهد و از آن‌ها امتحان خواهد گرفت. حتی زمانی که رئیس وزارت معارف نظر حاج شیخ را در مورد اصلاح امتحانات جویا شد، وی مجدداً بر عدم مداخله وزارت در امور طلاب تأکید نمود (سازمان اسناد ملی ایران، سندهای شماره ۱ و ۲ از آیت‌الله حائری یزدی).

آیت‌الله حائری به مسئولان دولتی چنین خطاب کردند: «اگر این مملکت روحانی می‌خواهد، برنامه امتحانی‌اش را باید من تعیین کنم. این که شما برای ما مواد امتحانی تعیین کرده‌اید، مانند آن است که من بخواهم برای سربازخانه‌های شما افسر- و فرمانده تعیین کنم» (مجله یاد، شماره ۴، ص ۲۵).

ایشان به دنبال سخت‌گیری‌های رژیم بر طلاب، در جریان لباس متحدالشکل و دستگیری دسته جمعی طلاب، وقتی رئیس شهربانی و فرماندار به دیدن ایشان آمد، فرمود: نمی‌خواهم خونی ریخته شود و الا به شما می‌فهمانم که قدرت دست کیست؟! از آن به بعد تعقیب دسته جمعی موقوف شد (منظورالاجداد، ۱۳۷۹، ص ۲۲۹-۲۳۰).

### جمع بندی

شیخ عبدالکریم حائری یزدی از شخصیت‌هایی است که مستقیم یا غیرمستقیم، خواسته یا ناخواسته بر روند قدرت گرفتن جریان‌های اسلامی تأثیر داشته است.

مشی سیاسی آیت‌الله حائری نشان داد که با وجود عنصر سرسخت و مستبدی مانند رضاخان، می‌توان با تدبیر و درایت، وظایف و مسئولیتی که بر عهده دغدغه‌مندان دین است را انجام داد. اهدافی که شاید در صورت رویارویی مستقیم با حکومت، نه تنها دستیابی به آن‌ها امکان‌پذیر نبوده، بلکه اصل دین به خطر می‌افتاد.

در تحلیل رفتار سیاسی آیت‌الله حائری باید به زمینه‌ها و شرایط زمانه ایشان توجه داشت. ایشان با توجه به شرایط زمانه خویش از کنش سیاسی و رویارویی مستقیم با حکومت رضاخانی خودداری نموده و تلاش نمودند تا اهداف مهمتری را با درایت دنبال کنند. در نهایت مشی سیاسی ایشان موجب شد تا اسلام و حوزه علمیه نوپای قم از خطراتی که

متوجه آن بود، مصون بماند و نه حکومت پهلوی و نه اربابان آن‌ها به اهداف خبیثانه خود در مقابله با دین و استقلال کشور دست یابند و با پای‌ریزی حوزه علمیه، مرکز جامعی برای ترویج معارف شیعی تأسیس شد و از ثمرات آن تربیت شخصیت‌هایی بود که زمینه‌ساز شکل‌گیری انقلاب اسلامی شدند.



## فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. استادی، رضا، یادنامه حضرت آیه الله العظمی اراکی، اراک: انجمن علمی، فرهنگی و هنری استان مرکزی، ۱۳۷۵.
۲. آقابزرگ طهرانی، محمدمحسن، طبقات اعلام الشيعة، مشهد: [بی‌نا]، ۱۴۰۴ ق.
۳. بصیرت‌منش، حمید، علما و رژیم شاه، تهران: عروج، ۱۳۷۸.
۴. حائری یزدی، مرتضی، سر دلبران: عرفان و توحید ناب در ضمن داستان‌ها، به کوشش رضا استادی، قم: دفتر نشر برگزیده، ۱۳۷۷.
۵. لاجوردی، حبیب، خاطرات دکتر مهدی حائری یزدی، تهران: [بی‌نا]، ۱۳۸۱.
۶. ستوده، امیررضا، رجب‌زاده، شهرام، پا به پای آفتاب؛ گفته‌ها و ناگفته‌ها از زندگی امام خمینی علیه السلام، تهران: پنجره، ۱۳۹۱.
۷. شریف رازی، محمد، گنجینه دانشمندان، تهران: اسلامیه، ۱۳۵۲.
۸. شعبانی، اولیاء؛ معمار فضیلت، قم: مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، ۱۳۸۰.
۹. عباس‌زاده، سعید، شیخ عبدالکریم حائری نگهبان بیدار، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
۱۰. فلسفی، محمدتقی، خاطرات و مبارزات، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶.
۱۱. فیاضی، عمادالدین؛ حاج شیخ عبدالکریم حائری، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۲. کریمی جهرمی، علی؛ آیت‌الله مؤسس مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری، قم: دارالحکمه، ۱۳۷۲.
۱۳. منظورالاجداد، سیدمحمدحسین، مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست، تهران: شیراز، ۱۳۷۹.
۱۴. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، امام و روحانیت: مجموعه سخنان و دیدگاه‌های امام خمینی درباره روحانیت، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۲.



## سایت و مجلات

۱. توکلی محمدی، مرتضی؛ مطهری فرد، مرتضی، اندیشه سیاسی شیخ عبدالکریم حائری یزدی، فصلنامه سیاست متعالیه، دوره ۳، شماره ۱۱، اسفند ۱۳۹۴.
۲. پایگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مجاهدت‌های فرهنگی حوزه علمیه قم در دوران زعامت آیت‌الله حائری، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره بازیابی ۱۴۲۴-۲۹۱، سند شماره ۱.
۳. حائری، عبدالحسین، مصاحبه با استاد عبدالحسین حائری، مجله حوزه، سال ۲۱، شماره ۱۲۵.
۴. شکوری، ابوالفضل؛ مرجع دوران‌دیش و صبور آیت‌الله حائری، مؤسس حوزه علمیه قم، فصلنامه یاد، شماره ۱۷، سال ۵، زمستان ۱۳۶۸.
۵. عیسی‌نژاد، سیدمحمد؛ شیخ عبدالکریم حائری، حوزه علمیه قم و تولید علم، مجله حوزه ۱۲۶، شماره ۶، سال ۲۱، بهمن و اسفند ۱۳۸۳.

